**پیشگفتار**

به منظور آشنایی هرچه بیشتر علاقمندان با مفاهیم اقتصادی و به­کارگیری صحیح این موارد در تحلیل­های اقتصادی، ایده تهیه و ارائه بروشورهایی با عنوان "اقتصاد به زبان ساده" در مرکز پژوهش­های اتاق ایران طرح گردید و به اجرا درآمد. نسخه پیش­رو، چهل و چهارمین خروجی این ایده می­باشد. به­منظور بهبود نسخه­های بعدی، در انتها یک فرم ارزیابی تهیه و تنظیم گردیده است که خواهشمندیم فرم مذکور را تکمیل و از طریق دبیر کمیسیون خود یا آدرس ایمیل research-center@iccim.ir مرکز تحقیقات را از نظرات ارزشمند خود آگاه سازید.

**مفهوم شکنندگی**

 تعاریف متعددی از شکنندگی وجود دارد. همه این تعاریف به ابعاد مشابهی از شکنندگی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی اشاره دارند.

بانک جهانی، در تعریفی که در سال 2013 ارائه داده است، حکومت­های شکننده[[1]](#footnote-1) را حکومت­هایی تعریف می­کند که با چالش­های جدی توسعه، از قبیل ظرفیت­های نهادی ضعیف، حکمرانی بد، بی­ثباتی سیاسی و خشونت­های مداوم و متواتر یا آثار ناشی از درگیری­های شدید در گذشته، روبه­رو هستند.

گروه مطالعه شکنندگی[[2]](#footnote-2) در سال 2016 شکنندگی را اینگونه تعریف کرده است: خلا (نبود) یا شکست قرارداد اجتماعی بین مردم و دولت. حکومت‌های شکننده از کمبود ظرفیت­های نهادی و مشروعیت سیاسی رنج می‌برند که این مساله منجر به افزایش ناپایداری و درگیری‌های خشونت‌آمیز می‌گردد و به از بین رفتن تاب‌آوری حکومت در برابر شوک‌های مخرب منتهی می‌شود.

سازمان همکاری­های اقتصادی و توسعه (OECD[[3]](#footnote-3)) شکنندگی را ترکیبی از در معرض خطر قرار داشتن و عدم توانایی حاکمیت و جامعه در مدیریت، جذب و یا کاهش اثرات خطر مذکور تعریف می­کند که می­تواند نتایج نامطلوبی از جمله خشونت، عدم کارکرد نهادها، آوارگی، بحران­های انسانی و غیره را به همراه داشته باشد. در گزارشی که در سال 2016 توسط این سازمان و تحت عنوان گزارش حکومت­های شکننده منتشر شده، پنج بُعد برای شکنندگی تعریف شده است: اقتصادی، محیطی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی. در این چارچوب، هر کدام از این ابعاد در 6 حالت (از سطح محدود تا سطح شدید) درجه بندی می­شود.

به عنوان یک تعریف جامع که در بسیاری از منابع موجود آمده، شکنندگی به مجموعه­ای از موانع برای دستیابی به صلح، امنیت و توسعه پایدار اطلاق می­شود که با حاکمیت ضعیف، ظرفیت­های نهادی محدود، یکپارچگی اجتماعی پایین و مشروعیت اندک مشخص شده و سبب عدم کارایی قراردادهای اجتماعی و کاهش تاب­آوری می­شود.

**اهمیت موضوع شکنندگی**

پیشرفت بشر در دو قرن گذشته بسیار چشمگیر بوده و خشونت و درگیری به موازات افزایش آزادی و شکوفایی اقتصادی کاهش یافته است. در طی زمان، افراد به تدریج امنیت بالاتر، فرصت­های اقتصادی بیشتر، سلامتی، دسترسی گسترده­تر به دانش و آزادی بیشتری را تجربه نموده­اند. اما روندهای جهانی یکسان نیست و همچنان بین مناطق و کشورهای مختلف اختلاف فاحشی وجود دارد.

آن­چه در این میان از اهمیت بالایی برخوردار است، درک این مسئله است که شکنندگی در درون مرزهای یک کشور باقی نمی­ماند و تمام دنیا از آن متاثر می­شوند. این مسئله به ویژه پس از حادثه 11 سپتامبر 2001 در آمریکا قوت گرفت، یعنی زمانی که نگرش قدرت‌های بزرگ به کشورهای جهان سوم تغییر کرد و این منطق شکل گرفت که امنیت بین‌المللی نمی‌تواند بدون توجه به وضعیت کشورها و مناطق دیگر تأمین شود.

حدود 20 درصد از جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می­کنند که نام آن­ها در لیست کشورهایی با موقعیت شکننده قرار دارد و حدود 50 درصد از جمعیت این کشورها، در فقر شدید به سر می­برند. جمعیت کل این کشورها و تعداد افرادی که در این کشورها در فقر شدید زندگی می­کنند رو به افزایش است. این در حالی است که جمعیت کل افرادی که در دنیا در فقر شدید به سر می­برند، رو به کاهش است. لذا می­توان گفت فقر شدید در محیط­های درگیر شکنندگی، روز به روز افزایش می­یابد.

سازمان همکاری­های اقتصادی و توسعه (OECD)، پیش­بینی می­کند که تا سال 2035، حدود 80 درصد افرادی که در فقر شدید به سر می­برند، در 56 کشوری زندگی خواهند کرد که در گزارش منتشر شده در سال 2016 توسط این سازمان، به عنوان دولت­های شکننده معرفی شده بودند.

ارتباط موجود میان فقر شدید با شکنندگی، تنها بخشی از چالش است. مسئله مهم­تر این است که کشورهایی با محیط شکننده، کمترین پیشرفت و موفقیت را در دستیابی به شاخص­های توسعه­ای دارند. بسیاری از این کشورها سال­های متمادی در لیست کشورهای شکننده باقی می­مانند.

تحقیقات نشان داده است که میان خشونت و عوامل مرتبط با شکنندگی اجتماعی، مانند حاکمیت قانون و ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ارتباط محکمی وجود دارد. درجات بالای خشونت نیز در جوامع فقیر و یا جوامعی با نابرابری­های بالای درآمدی دیده می­شود.

لذا به طور خلاصه باید گفت از آنجا که شکنندگی (که موجبات رشد نامتناسب و رو به رشد فقر و خشونت جهانی را فراهم می­کند) تبدیل به تهدیدی بالقوه شده است که پیامدهای منفی آن به خارج از مرزهای ملی یک کشور کشیده می­شود، اهمیت بررسی این مسئله در سطح ملی و بین­المللی بسیار بالا است. به موازات این مسئله، باید در نظر داشت که جوامع بشری در طی دهه­های متمادی به آهستگی تغییر می­کنند، لذا انتظار سریع به نتیجه رسیدن تلاش­هایی که برای برطرف کردن شکنندگی انجام می­شود، صحیح نیست.

علاوه بر این، درک ماهیت، درجه، منبع و پویایی شکنندگی از این جهت نیز اهمیت دارد که ممکن است استراتژی­های توسعه که مورد توافق گسترده قرار گرفته است، سبب بدتر شدن اوضاع در مناطق شکننده شود. برای مثال، ممکن است برنامه­های حمایتی تنها بر بخش خصوصی تمرکز کنند، اما اگر کشور گرفتار ضعف زیرساختی باشد، چنین حمایتی سبب تضعیف نقش دولت می­شود و وضعیت شکننده وخیم­تر می­شود. لذا از این منظر نیز اهمیت رسیدگی به مسائل مربوط به شکنندگی بسیار مشهود است.

**دلایل ایجاد شکنندگی**

تمامی تعاریف و مدل­های تحلیلی موجود به منظور ارزیابی شکنندگی، ابعاد مشابهی را برای این پدیده در نظر می­گیرند. این ابعاد شامل بُعد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی است. تعاریفی هم وجود دارند که بُعد محیطی و یا جنبه­های خاصی از ابعادی نظیر عدالت، کنترل داخلی و یا ناهمگونی جمعیت را هم در نظر می­گیرند. با وجود این تفاوت­ها، همه تعاریف موجود، نتایج مشابهی را دست می­دهند.

به عبارت دیگر، همه مدل­های مذکور شرایط شکننده را شامل تضعیف قراردادهای اجتماعی به دلیل حاکمیت ضعیف، عدم کفایت نهادی، پیوستگی اجتماعی پایین و مشروعیت اندک می­دانند که نتیجه آن، تاب­آوری پایین اجتماعی است. شدت شکنندگی درجات مختلفی داشته و این شدت در ابعاد و زمان­های مختلف، ممکن است متفاوت باشد.

لذا اگرچه بیشتر تعاریف و شاخص­ها، بر عملکرد دولت تاکید دارند، اما در نظر داشتن این مسئله نیز اهمیت دارد که شکنندگی می­تواند ناشی از روابط ناکارآمد میان گروه­های مختلف در جامعه، از جمله روابط آن­ها با دولت باشد. در واقع شکنندگی به دلیل این­که نشانه­ای از تضعیف قراردادهای اجتماعی است، باید از دو جنبه موانع اجتماعی و موانع حاکمیتی مورد بررسی قرار گیرد.

**اندازه­گیری شکنندگی**

بنیاد صلح[[4]](#footnote-4) آمریکا از حدود دو دهه قبل، چارچوبی را برای ارزیابی تعارضات و به منظور سنجش میزان آسیب­پذیری ایالات مختلف طراحی نمود. بر اساس همین چارچوب، در سال 2005 اقدام به معرفی شاخص حکومت­های شکننده[[5]](#footnote-5) نمود که علی­رغم عدم ارائه تعریف مشخصی از شکنندگی، هر ساله رتبه­بندی کشورها بر اساس این شاخص را منتشر می­کند. این شاخص فشارها و ظرفیت­های مربوط به ثبات را در 178 کشور اندازه­گیری می­کند. بنیاد صلح برای این منظور شاخص­های مذکور را در 12 گروه طبقه­بندی می­کند. سه شاخص‌ انسجام[[6]](#footnote-6) (دستگاه­های امنیتی[[7]](#footnote-7)، شکاف میان نخبگان و حکومت[[8]](#footnote-8)، و شکایت عمومی[[9]](#footnote-9) )، سه شاخص اقتصادی (افول اقتصادی[[10]](#footnote-10)، توسعه اقتصادی نامتوازن[[11]](#footnote-11) و فرار مغزها[[12]](#footnote-12))، سه شاخص سیاسی (حقوق بشر و حاکمیت قانون[[13]](#footnote-13)، مشروعیت حاکمیت[[14]](#footnote-14) و خدمات عمومی[[15]](#footnote-15)) و سه شاخص ترکیبی[[16]](#footnote-16) و اجتماعی (فشارهای جمعیتی[[17]](#footnote-17)، مهاجرت و ترک خانه[[18]](#footnote-18) و مداخلات خارجی[[19]](#footnote-19)).

به هر یک از 12 شاخص یادشده، نمراتی بین صفر تا 10 داده می‌شود و مجموع این نمرات به­عنوان درجه شکنندگی کشور در نظر گرفته می‌شود. عدد صفر به­عنوان کمترین درجه شکنندگی (بیشترین ثبات) و عدد 10 به­عنوان بالاترین درجه شکنندگی (کمترین ثبات) در این شاخص هستند. مجموع نمرات نیز عددی بین 12 تا 120 خواهد بود. نمره 120 در واقع بدترین وضعیت متصور است که در عمل دولتی بر سر قدرت نیست و هرچه نمره به دست آمده کمتر از 120 باشد، دولت از ثبات بالاتری برخوردار است. اساس رتبه­بندی کشورها بر مجموع نمرات متکی است. هر چه نمره به دست آمده به 120 نزدیک­تر باشد، رتبه پایین­تر خواهد بود. لذا رتبه پایین­تر نشان­دهنده وضعیت بدتر و رتبه بالاتر نشان­دهنده وضعیت بهتر است.

کشورها بر اساس امتیاز نهایی در هر دسته از شاخص­های مذکور، در یکی از حالت­های زیر طبقه­بندی می­شوند: بسیار پایدار[[20]](#footnote-20)، پایدار[[21]](#footnote-21)، بسیار باثبات[[22]](#footnote-22)، با ثبات بالا[[23]](#footnote-23)، با ثبات[[24]](#footnote-24)، وضعیت هشدار[[25]](#footnote-25)، هشدار شدید[[26]](#footnote-26)، هشدار بسیار شدید[[27]](#footnote-27)، وضعیت اخطار[[28]](#footnote-28)، اخطار شدید[[29]](#footnote-29) و اخطار بسیار شدید[[30]](#footnote-30).

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **اخطار** | **هشدار** | **با ثبات** | **پایدار** | **وضعیت** |
| 120- 91 | 90- 61 | 60- 41 | 40- 12 | **بازه نمرات** |

بانک جهانی نیز هر ساله فهرستی از موقعیت­های شکننده منتشر می­کند که در هماهنگی کامل با بانک توسعه آفریقایی و بانک توسعه آسیایی قرار دارد. با توجه به پیچیدگی موقعیت­های شکننده، این لیست شامل همه کشورهای تحت تاثیر نبوده و کشورها را رتبه­بندی نمی­کند. این لیست با هدف کمک به گروه بانک جهانی برای اتخاذ رویکرد، سیاست­ها و خط مشی­های صحیح، در محیط­های شکننده تهیه می­شود. این لیست، کشورها را بر اساس ماهیت و شدت معضلاتی که با آن روبه­رو هستند از یکدیگر متمایز می­کنند: کشورهایی که سطح بالایی از شکنندگی نهادی و اجتماعی را تجربه می­کنند، بر اساس شاخص­های موجود و در دسترسی که کیفیت سیاست و نهادها و بروز شکنندگی را می­سنجند، مشخص می­شوند. کشورهایی که تحت تاثیر درگیری­های خشونت­آمیز هستند نیز بر اساس تعداد مرگ و میرهای ناشی از درگیری نسبت به کل جمعیت مشخص می­شوند. این دسته از کشورها شامل دو زیر گروه هستند که بر حسب میزان و شدت خشونت مشخص می­شوند: کشورهای با شدت درگیری بالا و کشورهایی با شدت درگیری متوسط.

اساس این لیست را نمرات CPIA[[31]](#footnote-31) (ارزیابی نهادی و سیاستی کشوری) تشکیل می­دهد. CPIA به عنوان ابزاری کمکی برای بررسی وضعیت چارچوب نهادی و سیاستی کشورهای با درآمد پایین و به منظور کاهش فقر، رشد پایدار و استفاده بهینه از کمک­های توسعه­ای ایجاد شد. CPIA از مجموع 16 معیار که در 4 دسته با وزن­های برابر دسته­بندی شده­اند برای امتیازدهی استفاده می­کند. این 4 دسته شامل مدیریت اقتصادی[[32]](#footnote-32)، سیاست­های ساختاری[[33]](#footnote-33)، سیاست­های مشارکت اجتماعی[[34]](#footnote-34) و مدیریت بخش عمومی و نهادها[[35]](#footnote-35) می­شود.

**ملاحظات بین­المللی در مورد شکنندگی**

به طور کلی تصمیمات جامعه بین­المللی در مورد چالش­های ناشی از شکنندگی همواره تحت تاثیر سه ملاحظه مهم قرار داشته است: افزایش نیاز به تامین منابع مالی در زمان حوادث و فجایا و بعد از آن، رها شدن کشورهایی که از رشد و دستیابی به توسعه پایدار جا مانده­اند و از همه مؤثرتر، شوک بین­المللی ناشی از موج تروریسم.

نیاز به تامین منابع مالی در زمان­های بروز فاجعه و حوادث به طور خاص پس از پایان جنگ سرد، پررنگ شد. کاهش بودجه­های مربوط به کمک­های توسعه­ای، با وقوع درگیری­های محلی و منطقه­ای که در دهه 1990 به اوج خود رسید (برای مثال در افغانستان، بوسنی، کلمبیا، رواندا، عراق و غیره)، همزمان شد. چرا که افزایش درخواست کمک­ مالی برای رفع نیاز فوری در زمان مناقشات مذکور، سبب شد که این منابع از تخصیص به هدف اصلی خود که همان هزینه­کرد برای رفع علل اساسی تعارضات و ارتقای توسعه بود، باز بماند. لذا ارتقای اثربخشی تلاش­ها برای جلوگیری از ایجاد تعارض و درگیری و حمایت از فرآیند گذار از تعارض به سمت ثبات و توسعه، تبدیل به هدف مهمی در همکاری­های توسعه­ای شد.

در خصوص ملاحظه دوم، ادامه­دار شدن عدم پیشرفت فرآیند توسعه در برخی از کشورها، کارشناسان توسعه را بر آن داشت که بر اهمیت همکاری و نوآوری­های محلی در راستای کارایی بیشتر همکاری­های بین­المللی در زمینه توسعه تاکید نمایند. تجربه ثابت نموده که مشروط کردن کمک­ها به وجود سیاست­ها و نهادهای مناسب در کشور هدف، شیوه­ حمایتی مناسبی نیست. در مقابل همکاری بیشتر با کشورهایی که به سیاست­های صحیح و نهادهای کارا متعهد هستند، می­تواند سبب بهبود چشم­انداز رشد در برخی از کشورها شود. اما این مسئله نباید باعث شود کشورهایی که سطوح بالاتری از شکنندگی را تجربه می­کنند، مورد غفلت واقع شوند.

در اواخر دهه 1990، بانک جهانی و کمیته مساعدت توسعه سازمان همکاری­های اقتصادی و توسعه (DAC)[[36]](#footnote-36)، برای غلبه بر مقاومت کشورهای ضعیف در مقابل تغییر، بسیج شدند. در این کشورها معمولا اهداکنندگان کمک و دولت­های حاکم فاقد اهداف مشترکی هستند. نگرانی در مورد این کشورها سبب شد تا اهداکنندگان به فکر افزایش اثربخشی کمک­ها بیفتند. در همین راستا نیز مجامع مختلفی از سال 2005 تا کنون در سراسر دنیا با هدف دستیابی به یک دستورالعمل جامع برای کمک مؤثرتر به دولت­های شکننده در سراسر جهان برگزار شده است.

ملاحظه سوم با افزایش هشدارآمیز اقدامات تروریستی پررنگ شد. تعدادی بمباران هوایی، حمله به سفارت­خانه­ها، حملات به غیرنظامی­ها در دهه­های 1980 و 1990، که با حمله به برج­های تجاری در آمریکا در 11 سپتامبر 2001 به اوج خود رسید، این مسئله را آشکارتر نمود که شکنندگی تنها یک موضوع توسعه­ای نیست و بهبود وضعیت کشورهای ضعیف و ناکام، چالش اصلی در مبارزه با فقر و تروریسم است.

تعداد رو به افزایش کشورهایی که تحت تاثیر اقدامات تروریستی و آوارگی گسترده مردم قرار گرفتند، تاثیر عمیقی بر نحوه تفکر در مورد شکنندگی داشته است. شاخص تروریسم جهانی[[37]](#footnote-37) در سال 2017، گزارش داد که تعداد کشورهایی که حداقل یک مرگ ناشی از عملیات تروریستی را در سال 2016 تجربه کرده بودند، برای اولین بار در تاریخ ارائه این گزارش (از سال 1970)، از هر سال دیگری بیشتر بوده است. همچنین از 10 کشوری که 85 درصد از مرگ و میرهای ناشی از تروریسم در آن­ها رخ داده بود، 8 کشور در لیست­ دولت­های شکننده قرار داشته­اند.

چالش­های ناشی از وجود کشورهای شکننده، ذاتا پیچیده است و جامعه جهانی دشوار می­تواند در مقام پاسخ­گویی برآید. در بلندمدت، گذار به سوی یک جامعه باثبات و تاب­آور، یک فرآیند توسعه­ای است که نیازمند تلاش­های متمرکز، مکرر و مداوم با تاکید بر تعهدات و قابلیت­های محلی است. در کوتاه­مدت شکنندگی بعضا منجر به مشکلات امنیتی شده و نیاز به مداخله مستقیم بازیگران عرصه جهانی است. اگر چه برخی از مداخلات ممکن است در یک مورد مشخص و برای حفظ یا برقراری صلح الزامی باشد، اما ممکن است سبب تضعیف سیستم­های محلی شده و روند درونزای توسعه پایدار را مختل کند. هر موقعیت، شرایط منحصر به فردی دارد و لذا اقدامات باید متناسب با شرایط حاکم بر آن باشد. شکنندگی از آن دست مشکلاتی است که تعریف کردن و راه­حل دادن برای رفع آن بسیار دشوار است.

پیچیدگی چالش­های امنیت و توسعه، به همراه تنوع بالای موقعیت­های شکننده در جهان، این الزام را یادآور می­شود که یک پاسخ مؤثر، باید شامل اقداماتی متناسب با وضعیت خاص هر کشور باشد.

اما در نظر متخصصین توسعه، بزرگترین چالش غلبه بر شکنندگی، مسئله ثبات است. این مفاهیم کاملا به یکدیگر وابسته هستند، اما یکسان نیستند. ثبات برای رسیدن به توسعه الزامی است و بدون توسعه نیز حفظ ثبات بسیار دشوار است. پیشرفت توسعه عموما همراه با افزایش ثبات است.

تمام مسئولان ملی و بین­المللی می­خواهند در ایجاد یک محیط پایدار مملو از صلح و فرصت سهیم باشند. برای مشارکت مؤثر، نیاز است که نگرش­ها و دیدگاه­های متفاوتی که مانع همکاری مؤثر بوده و برنامه­ریزی و اجرای استراتژی­های منسجم را دشوار می­سازد، از میان برداشت.

**شکنندگی و تاب­آوری**

طی دهه­های اخیر، همه کشورهای دنیا با پدیده شوک­های برون­زا مواجه بوده­اند. نظریه­پردازان توسعه، با بررسی هزینه­ها و دستاوردهای شوک­های برون­زا در کشورهای مختلف جهان، مشاهده کردند که میزان استفاده از فرصت­ها و مهار تهدیدهای بالقوه ناشی از این شوک­ها، بیش از هر چیز تابع میزان توانایی دولت­ها در واکنش مناسب و به موقع در مقابل این شوک­ها بوده که به این ویژگی تاب­آوری[[38]](#footnote-38) گفته می­شود. کشورهایی با قدرت انعطاف بیشتر می­توانند واکنش­های به موقع و مناسبی بروز دهند و تهدیدها را به فرصت تبدیل کنند، در حالی که کشورهایی با عدم آمادگی کامل، حتی قادر هستند فرصت را نیز به تهدید تبدیل نمایند. در ادبیات جهانی، تاب­آوری را به توانایی حکومت و جامعه در جذب، سازگاری و تحول در راستای پاسخ به یک شوک یا استرس بلندمدت تعبیر نموده­اند. ویژگی اساسی تاب­آوری، یک پیمان اجتماعی محکم میان حکومت و جامعه در مورد نقش و مسئولیت متقابل آن­ها است. تعامل میان دولت و جامعه که اساس پیمان اجتماعی را تشکیل می­دهد، در خلال مکانیسم­های نهادی رسمی و غیر رسمی اتفاق می­افتد که در صورت ارتباط سازنده، به تدریج سبب ایجاد اعتماد و منفعت دوجانبه شده و منبع مهمی برای حفظ ثبات در زمان بحران خواهد بود.

همانطور که پیش­تر اشاره شد، شکنندگی سبب از کار افتادن قراردادهای اجتماعی و کاهش تاب­آوری می­شود. تجربه کشورها نیز نشان می­دهد که حکومت­ها و جوامع با ثبات در مقابل شوک­های داخلی و خارجی عملکرد بهتری دارند. اما حکومت­های شکننده معمولا در مارپیچی از ضعف و خشونت گرفتار می­شوند. بخش زیادی از این مسئله به ظرفیت­های تاب­آوری برمی­گردد. جوامعی که تحت تاثیر حاکمیت ضعیف، محدودیت ظرفیت­های نهادی، اتحاد اجتماعی اندک و مشروعیت پایین قرار دارند، بیشتر دچار از کارافتادن تدریجی قراردادهای اجتماعی، از بین رفتن تاب­آوری اجتماعی و قرار گرفتن در سطوح پایین توسعه انسانی و اقتصادی می­شوند. این کشورها اغلب درجات زیادی از خشونت و عدم احترام به قانون را تجربه می­کنند.

افزایش ثبات اقتصاد کلان، افزایش کارایی بازارها، حکمرانی خوب و توسعه اجتماعی از جمله عواملی هستند که جوامع را به سمت افزایش تاب­آوری سوق می­دهند. در ادامه بحث خواهد شد که اقداماتی از جمله افزایش ثبات اقتصاد کلان و تقویت نهادی، در راستای کاهش شکنندگی نیز به کار برده می­شود و لذا کاهش شکنندگی و افزایش تاب­آوری دو سیاست هم­سو و هم­راستا بوده که نقش مهمی در فرآیند توسعه کشورها دارد.

**گذار از شکنندگی به تاب­آوری با طراحی سیاست­های کارآمد**

شرایط شکننده یکی از دلایل اصلی ایجاد خشونت، بی­ثباتی، فقر و مهاجرت اجباری است. از بین رفتن قرادادهای اجتماعی و کاهش تاب­آوری، از اصلی­ترین عوامل تهدید برای صلح، ثبات و توسعه پایدار هستند که آسیب­پذیری کشورها را در برابر نفوذ و حتی غلبه نیروهای ویران­گر افزایش می­دهد. در مسیر گذار از شکنندگی به تاب­آوری ملاحظاتی وجود دارد که غفلت از آن می­تواند تبدیل به چالشی جدی شود.

شکنندگی یک پدیده پیچیده است که ابعاد چندگانه و به هم مرتبط اقتصادی، محیطی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی آن در زمان­ها و مکان­های متفاوت، مختلف است. تنوع بالای این شرایط، می­تواند ملاحظات در مورد شکنندگی را افزایش داده و توانایی جامعه برای مقابله با آن را تحت تاثیر قرار دهد. یک وضعیت شکننده، ممکن است دربرگیرنده همه یا برخی از ابعاد شکنندگی بوده و در یک منطقه، یک کشور و یا مناطقی از یک کشور رخ دهد. زمانی که اوضاع رو به وخامت باشد، پایداری شکنندگی نیز افزایش می­یابد. اما با وجود همین شرایط نیز برخی از کشورها در مسیر گذار به سمت تاب­آوری و توسعه مجدد، اقدامات موفقیت­آمیزی انجام داده­اند. بانک جهانی در سال 2016 این مسئله را خاطرنشان نمود که از سال 2003 و آغاز طرح بررسی شکنندگی، 20 کشور از وضعیت شکننده و متاثر از درگیری خارج شده­اند.

مسئله دیگر این است که همانطور که پیش­تر اشاره شد، تحلیلگران مختلف، ابعاد مختلفی از شکنندگی را به شیوه­های متفاوت تعریف کرده­اند. برخی به شکنندگی از منظر امنیتی نگاه نموده و برخی دیگر آن­را به مثابه مانعی برای توسعه توضیح می­دهند. تعدد نگرش­ها به مسئله شکنندگی گاهی می­تواند مانع همکاری مؤثر می­شود.

آنچه از بررسی تجربه کشورها و سیاست­ها و فعالیت­های آن­ها به دست آمده نشان می­دهد که اجماعی جهانی در باب این مسئله که ابعاد مختلف شکنندگی از نظر شدت، بر روی طیفی از بحران تا تاب­آوری قرار می­گیرد به تدریج در حال شکل­گیری است. امروزه شکنندگی، کمتر به عنوان یک ویژگی برای یک کشور برشمرده می­شود، بلکه بیشتر به عنوان مجموعه­ای از شرایط که می­تواند مانع عملکرد سیستم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ناتوانی آن­ها در مقابله با تنش­های داخلی و خارجی به شیوه­ای عاری از خشونت شود، شناخته می­شود.

امروزه رویکرد توصیه شده در مقابله با شکنندگی این است که به جای مشخص نمودن یک کشور با عنوان شکننده و رفتار متفاوت با آن در مقابل کشورهای غیرشکننده، تمرکز بر جنبه­های خاصی از شکنندگی باشد که موانع اصلی ثبات و توسعه در شرایط خاص آن کشور یا منطقه است.

بررسی­ها نشان می­دهد که در اکثر موارد، تمرکز بر تعداد کمی از اولویت­های کلیدی در رسیدگی به پدیده شکنندگی، کاراتر از اجرای یک برنامه جامع اصلاحات است. حوزه­های کلیدی دارای اولویت­ می­تواند حوزه امنیت، مدیریت مالیاتی، نوآوری در مبارزه با فساد، افزایش رشد و اشتغال در اقتصاد رسمی و حمایت حاکمیت از فعالیت­های اقتصادی بخش خصوصی باشد. همه این عوامل مهم و به یکدیگر مرتبط هستند. اما انتخاب اولویت­ها باید بر مبنای شرایط موجود در هر موقعیت و با نگاهی فراگیر و جامع به کل فرآیندها صورت گیرد. در رویکرد­های نوین، به مشارکت همه گروه­­ها برای تعیین اولویت­ها بسیار تاکید شده­است. وحدت رویه و پیروی از یک شیوه جامع و فراگیر در شرایطی که دستگاه حاکمیت از مشروعیت اندکی برخوردار است و بین مقامات دولت و شهروندان بی­اعتمادی گسترده­ای موج می­زند، به شکل ویژه­ای اهمیت پیدا می­کند.

توجه ژرف به جنبه­های سیاسی، امنیتی و توسعه­ای نیز در حرکت به سمت تاب­آوری اهمیت بسیار زیادی دارد. رویکردهای کلی دولت و استراتژی­های منسجم و یکپارچه­ای که بر اولویت­های اصلی تمرکز دارند نیز نیازمند هماهنگی میان نیروهای دیپلماتیک، نظامی و متخصصان توسعه است.

لذا به طور خلاصه باید گفت که در مسیر گذار از شکنندگی به تاب­آوری، اولویت­بندی و انتخاب مهم­ترین اولویت­ها و مسئولیت­ها بسیار کلیدی است، این مسئله نیز نیازمند شناخت گسترده از ماهیت درونزای ساختار حاکمیت و فرآیندهای توسعه­ای است. همچنین برای دستیابی به نتایج بادوام، مشروع و متناسب که از نظر سیاسی قابل حمایت بوده و عملیاتی باشد، علاوه بر پیگیری همکاری­های بین­المللی، باید به دنبال هماهنگی در میان نیروهای تاثیرگذار داخلی و رسیدن به یک توافق کلی سودمند بود.

**اولویت دادن به پیشگیری از شکنندگی**

همانطور که ذکر شد، شکنندگی در ادبیات جهانی، به عنوان تهدیدی برای امنیت و توسعه مطرح است. لذا شبکه­های بین­المللی به منظور هماهنگ کردن رویکردها و دستیابی به یک دستورالعمل مشترک، با یکدیگر همکاری نموده­اند. این همکاری­ها شامل فراخوان استراتژی­های پیشگیرانه و یکپارچگی تلاش­ها است.

اما همانطور که غالبا در مورد موضوعات پیچیده با نتایج نامشخص این­گونه است، شکاف عمیقی میان دانش و عمل در این حوزه وجود دارد. پاسخ جامعه جهانی به پدیده شکنندگی در اغلب موارد، رویکردی منفعلانه داشته است. شرایط موجود در کشورهایی مانند جنوب سودان و یمن و مردم محرومی که در این شرایط زندگی می­کنند، نشان­دهنده عدم توانایی دولت­ها برای فائق آمدن بر شرایط است. عدم تغییر در ادامه روند فعلی، مردم بیشتری را متاثر نموده و غیر قابل تحمل است.

*بدیهی است که در مقابله با پدیده شکنندگی، مطلوب­ترین حالت این است که نشانه­های بدتر شدن شرایط، به موقع و زودهنگام تشخیص داده شود تا اقدامات پیش­گیرانه بتواند در زمان مناسبی انجام شود. اجماع در مورد اولویت داشتن پیشگیری، بر این واقعیت دلالت دارد که جهان نباید منتظر وقوع بحران بماند، چرا که در صورت وقوع، خطرات بزرگ­تر، رشد کندتر، هزینه­ها بیشتر و احتمال موفقیت کمتر خواهد بود.*

به موازات درک اهمیت اقدامات پیشگیری کننده، اجماع گسترده­ای نیز وجود دارد مبنی بر این­که گذار از شکنندگی به تاب­آوری، فرآیندی بسیار طولانی است. دست کشیدن زودهنگام از تعامل بین­المللی، خطر وارونه شدن پیشرفت و مزمن شدن شکنندگی را در پی دارد.

لذا در نهایت و با در نظر گرفتن این اعتقاد غالب که شکنندگی پدیده­ای قابل کنترل است و اقدامات به موقع و پایدار بین­المللی تاثیر مثبتی خواهد داشت، مهم­ترین مسئله در مسیر غلبه بر شکنندگی را می­توان طراحی استراتژی­هایی دانست که علاوه بر کارایی و یکپارچگی بیشتر، بر پیشگیری تاکید داشته باشند. دستیابی به چنین اعتقاد مشترکی نیازمند افزایش آگاهی عمومی و حمایت رهبران سیاسی متعهد در کشورهایی است که وضعیت شکننده­ای را تجربه می­کنند و یا متاثر از آن هستند.

**وضعیت شکنندگی در ایران**

اگرچه ارائه یک تصویر صحیح از میزان شکنندگی اقتصاد ایران، نیازمند تحلیلی یکپارچه از سیستم اقتصادی، سیاسی، امنیتی، اجتماعی و محیطی و تعامل میان آن­ها است، اما شکی نیست که دائمی بودن مخاطرات ناشی از نوسانات منابع نفت و تحریم­های بین­المللی که از سال گذشته با شدت بیشتری اعمال شد، سبب کاهش توان دولت برای مقابله با بحران­های داخلی و خارجی شده است.

در طی سه دهه اخیر، اقتصاد ایران با فراز و نشیب­های بسیاری مواجه بوده است. بحران­های متعدد ارزی، کسری بودجه، تورم، حجم بالای نقدینگی نامتناسب با عملکرد اقتصادی کشور، بحران در سیستم بانکی، شوک ناشی از افزایش تحریم­های بین­المللی و مسائلی از این دست دائما گریبان­گیر اقتصاد کشور بوده است. در کنار بحران­های اقتصادی، بحران­های طبیعی نظیر سیل و زلزله، خشکسالی، و همچنین خشونت­های ناشی از اعمال تحریم­ها همه در کنار یکدیگر کشورمان را با وضعیتی نه چندان باثبات طی سال­های اخیر رو­به­رو ساخته است. در چنین شرایطی، شیوع بیماری کرونا و گسترش سریع این ویروس در کشورمان از ماه­های پایانی سال 98 نیز بر آشفتگی­های کشور افزوده و عملا با بحران انسانی مواجه ساخته است.

شاخص‌ شکنندگی برای دولت ایران از سال‌ 2006 مورد محاسبه قرار گرفته است. رتبه و مجموع نمرات کسب شده توسط ایران در فاصله سال­های 19- 2006 در جدول شماره 1 آورده شده است. نکته قابل توجه این که اگرچه جایگاه کشور از نظر شاخص شکنندگی دولت‌ها در طی سال‌های مورد بررسی در نوسان بوده است، اما آن­چه مشخص است، این است که طی این دوره، مجموع نمرات شاخص­های شکنندگی ایران همواره بالای 80 بوده و کشور را ذیل عنوان کشورهای با هشدار بسیار شدید قرار داده است[[39]](#footnote-39).

شکنندگی بیان­گر یک وضعیت است که قرار داشتن در آن ناشی از علل مختلف و متفاوتی است. لذا نیاز است که نمرات کسب شده در هر کدام از شاخص­های دوازگانه در طی سال­های گذشته مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان در مورد علل عمده ایجاد این وضعیت در کشور با قطعیت بیشتری نظر داد.

**جدول 1- شاخص‌های شکنندگی ایران طی سال‌های 2019-2006**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| سال | رتبه | مجموع نمرات | فشارهای جمعیتی | مهاجرت و ترک خانه | شکایات عمومی | فرار مغزها | توسعه نامتوازن اقتصادی | فقر و افول اقتصادی | مشروعیت حاکمیت | خدمات عمومی | حقوق بشر و حاکمیت قانون | دستگاه‌های امنیتی | شکاف میان نخبگان و دولت | مداخله خارجی |
| 2006 | 52 | 84 | 6.5 | 8.7 | 6.9 | 5 | 7.5 | 3 | 8.1 | 6.1 | 9.1 | 8 | 8.8 | 6.3 |
| 2007 | 57 | 82.8 | 6.2 | 8.6 | 7.1 | 5 | 7.2 | 3.3 | 7.8 | 5.7 | 8.7 | 8.3 | 8.9 | 6 |
| 2008 | 49 | 85.7 | 6.5 | 8.7 | 7.3 | 5 | 7.4 | 4.3 | 8 | 5.8 | 8.7 | 8.5 | 9 | 6.5 |
| 2009 | 38 | 90 | 6.5 | 8.5 | 7.6 | 6.8 | 7.4 | 5.5 | 8.3 | 6 | 8.9 | 8.6 | 9.1 | 6.8 |
| 2010 | 32 | 92.2 | 6.4 | 8.3 | 8.1 | 7.1 | 7.3 | 5.5 | 9 | 5.9 | 9.4 | 8.9 | 9.5 | 6.8 |
| 2011 | 35 | 90.2 | 6.1 | 7.9 | 8.5 | 6.7 | 7 | 5.4 | 9.1 | 5.6 | 9 | 8.6 | 9.2 | 7 |
| 2012 | 34 | 89.6 | 5.8 | 7.6 | 8.6 | 6.4 | 6.7 | 6.4 | 8.8 | 5.3 | 8.9 | 8.3 | 9.3 | 7.4 |
| 2013 | 37 | 89.7 | 5.5 | 7.3 | 8.8 | 6.1 | 6.7 | 6.5 | 8.9 | 5 | 9.4 | 8.6 | 9.4 | 7.5 |
| 2014 | 44 | 87.2 | 5.3 | 6.8 | 8.8 | 5.9 | 6.4 | 6.4 | 8.7 | 4.8 | 9.3 | 8.3 | 9.4 | 7.1 |
| 2015 | 44 | 87.1 | 5.4 | 6.5 | 8.5 | 6.2 | 6.1 | 6.9 | 8.9 | 5 | 9.3 | 8 | 9.4 | 7 |
| 2016 | 47 | 86.9 | 5.1 | 6.7 | 8.8 | 6.5 | 5.8 | 6.6 | 9.2 | 4.7 | 9.5 | 7.7 | 9.6 | 6.7 |
| 2017 | 49 | 85.8 | 4.9 | 6.5 | 9.3 | 6.5 | 5.6 | 6.4 | 9 | 4.5 | 9.5 | 7.5 | 9.6 | 6.5 |
| 2018 | 52 | 84.3 | 5 | 6.2 | 9.3 | 6.2 | 5.6 | 6.4 | 9.2 | 4.2 | 9.2 | 7.2 | 9.6 | 6.2 |
| 2019 | 52 | 83 | 4.5 | 5.9 | 9.5 | 5.9 | 5.3 | 6.9 | 9 | 3.9 | 8.9 | 6.9 | 9.6 | 6.7 |

Source: <https://fragilestatesindex.org/country-data/>

مشاهده می­شود که در تمام سال­های دوره بررسی، مجموع نمرات کسب شده توسط ایران بالاتر از 80 بوده که نشان دهنده وضعیت نامساعد کشور در این شاخص است. بدترین نمره و رتبه در دوره مورد بررسی، در سال 2010 بوده (با رتبه 32) و پس از آن روند بهبود مختصری در رتبه ایران به چشم می­خورد.

در سال 2019، به ترتیب شاخص­های "شکاف میان نخبگان و دولت" و "شکایات عمومی" با نمرات 9.6 و 9.5 بدترین وضعیت را در بین شاخص­های دیگر داشته­اند. بعد از آن "مشروعیت دولت" با نمره 9، "حقوق بشر و حاکمیت قانون" با نمره 8.9 و سپس "فقر و افول اقتصادی" و "دستگاه­های امنیتی" هر دو با نمره 6.9 قرار می­گیرند.

در شاخص­های مربوط به انسجام، بر خلاف روند رو به بهبود دستگاه­های امنیتی از سال 2013، شکاف میان نخبگان و دولت در چهارسال اخیر ثابت و در وضعیت بسیار نامساعدی قرار دارد. مداخلات خارجی نیز از سال 2013 روند رو به بهبود داشته که در سال 2019، این روند رو به بهبودی متوقف و شرایط نسبت به سال قبل بدتر شده است.

در شاخص­های اقتصادی، از سال 2013، وضعیت توسعه نامتوازن رو به بهبود بوده است، اما افول اقتصادی و فرار مغزها متغیر بوده است.

در شاخص­های سیاسی نیز، حقوق بشر و حاکمیت قانون اگر چه در سه سال اخیر روند رو به بهبود داشته است، اما نمرات در طی تمام سال­های مورد بررسی بسیار بالا و غالبا حدود 9 بوده است که نشان­دهنده وضعیت نامساعد این شاخص در کشور است. در مورد خدمات عمومی اما وضعیت مساعدتر بوده و در سال­های اخیر نیز روند رو به بهبود داشته­ است.

شکی نیست که یکی از دلایل عمده قرار گرفتن ایران در شرایط شکننده، وضعیت اقتصادی است. ناکارآمدی سیاست­های اقتصادی باعث ناتوانی کشور در مقابله با تنش­های داخلی و خارجی شده است.

وابستگی اقتصاد به درآمدهای ناشی از منابع نفت را شاید بتوان اصلی­ترین دلیل اقتصادی بروز این شرایط دانست. در سال 1353 و همزمان با وفور درآمدهای نفتی، این توهم در میان تصمیم­گیران ایجاد شد که با در اختیار داشتن درآمدهای سرشار ناشی از جهش نرخ ارز، دیگر مانعی بر سر راه پیشرفت سریع کشور وجود ندارد و نیل به توسعه از مسیر درآمدهای نفتی امکان‌پذیر است. اما شیوه ناصواب هزینه­کرد این درآمدها (که عمده آن صرف مخارج جاری و غیر زیربنایی دولت می­شد) نه‌تنها اقتصاد کشور را در ابعاد گوناگون به نفت و درآمدهای حاصل از صادرات نفت وابسته کرد، بلکه با آسیب به بخش تولید و ایجاد زمینه برای افزایش بخش غیرمولد، زمینه­های بی­ثباتی اقتصاد کلان را فراهم آورد.

به عبارت دیگر ادامه­دار شدن رویه تزریق منابع نفتی، بدون برنامه و در ابعاد گسترده‌ به اقتصاد کشور نه‌‌تنها موجبات وابستگی به درآمدهای نفتی را فراهم آورد، بلکه با بروز عوارض بیماری هلندی، اقتصاد کشور را در دور باطل توسعه‌نیافتگی گرفتار نمود.

فساد نیز همواره به عنوان مانعی بر سر راه ایجاد و توسعه فعالیت‌های اقتصادی سالم در ایران مطرح بوده و فساد اقتصادی مستمر و گسترده در واقع، گویای ناکارآمدی دستگاه‌های نظارتی، ضعف درونی‌سازی هنجارها و ارزش‌های مورد نظر نظام سیاسی است که از درجه مشروعیت و اثربخشی دولت‌ها می‌کاهد؛ به نحوی که می‌تواند دولت‌ها و نظام‌های سیاسی را با بحران مشروعیت و مقبولیت مواجه سازد. علاوه بر این، فساد از هر نوع که باشد، ثبات و امنیت جوامع را به خطر می­اندازد و تهدیدی جدی برای اقتصاد به شمار می‌آید.

اگرچه هیچ کشوری نمی­تواند ادعا کند که مناسبات سیاسی و اقتصادی حاکم بر آن عاری از فساد است، اما وضعیت ایران به طور خاص و به گواه شاخص­های بین­المللی مربوط به سنجش فساد (برای مثال کسب رتبه 146 در بین 180 کشور در شاخص ادراک فساد[[40]](#footnote-40)در سال 2019) بسیار نامساعد و نیازمند یک تغییر جدی است. نهادهای ناکارآمد، حکمرانی ضعیف، نوع فعالیت­های بخش عمومی (به ویژه فعالیت­های بازتوزیعی)، بار مقرراتی، ساختارهای حکومتی غیردموکراتیک، ضعف حاکمیت قانون، عدم پاسخ­گویی دولت و نهایتا عدم وجود عزم جدی و فراجناحی برای مبارزه با فساد، اهم دلایل وجود فساد در کشور است. باید در نظر داشت که چالش­ اصلاحات ضد فساد در کشورهایی که درگیر شکنندگی هستند به مراتب بیشتر و سخت­تر از حالت عادی است.

در زمینه ناکارآمدی سیاست­های اقتصادی، نقش تحریم‌ها را نیز نمی­توان در این زمینه نادیده گرفت. در سال­های قبل از توافق، تحریم‌ها، رشد اقتصادی و صنعتی ایران را کاهش داد، سرمایه‌گذاری‌های خارجی را محدود، پول داخلی را تضعیف و نرخ تورم را چند برابر کرد و تولید و صادرات نفت و گاز را کاهش داد. تأثیر تحریم‌ها و لغو آنها را می‌توان در شاخص شکنندگی سال­های 2015 و 2016 مشاهده کرد. آغاز اجرای برجام در سال 2015، سبب بهبود وضعیت در برخی از شاخص­ها از جمله مداخلات خارجی، خدمات عمومی، توسعه نامتوازن اقتصادی و افول اقتصادی شد، اما خروج یک­جانبه آمریکا از این توافق و به دنبال آن کاهش تعهدات ایران و تنش­های ایجاد شده در پی آن در سطح بین­الملل، سبب معکوس شدن این روند در برخی از متغیرها از جمله افول اقتصادی شد. در واقع دور جدید تحریم­های اقتصادی تا سطح بنگاه­ها نیز پیشروی نموده و با هدف­گیری مستقیم تولید، سبب تشدید اثرات سوء اقتصادی شده است.

در مجموع می­توان گفت عملکرد ضعیف اقتصاد ایران به ویژه در ده سال اخیر و از سر گذراندن بحران­های متعددی که بسیاری از آنها در صورت مدیریت صحیح و عملکرد هوشمندانه قابل پیش­گیری و کنترل بودند، در کنار جایگاه نامناسب کشور در رتبه­بندی­های بین­المللی نشان دهنده شدت شکنندگی اقتصاد هستند. علاوه بر این، رکود تورمی موجود و بحرانی که اخیرا در حوزه بهداشت رخ داد (شیوع ویروس کرونا در ایام پایانی سال) که منجر به بروز شوک منفی هم در سمت عرضه و هم در سمت تقاضا شد، قطعا در آینده نزدیک و در صورت عدم بازبینی سیاست­های اقتصادی، سبب افزایش پیچیدگی وضعیت و در نتیجه دامن زدن به وضعیت شکننده اقتصادی خواهد شد.

**جمع­بندی**

شکنندگی ترکیبی است از موانع دستیابی به صلح، امنیت و توسعه پایدار که مشخصه آن حاکمیت ضعیف، ظرفیت­های نهادی محدود، یکپارچگی اجتماعی پایین و مشروعیت اندک حاکمیت است. در یک فضای شکننده کارایی قراردادهای اجتماعی از بین رفته و توانایی حکومت و جامعه در سازگاری و پاسخ­گویی به شوک­های داخلی و خارجی دستخوش تضعیف قرار می­گیرد.

از آنجا که شکنندگی سبب افزایش فقر و خشونت شده و پیامدهای منفی ناشی از آن به یک منطقه جغرافیایی مشخص محدود نشده و قابل سرایت است، شناخت و تلاش برای مبارزه با آن از اهمیت بالایی برخوردار است.

هیچ کدام از تعاریف موجود از شکنندگی نمی­توانند مرز مشخص و واضحی میان شرایط شکننده و غیر شکننده قائل شوند. لذا چالش اصلی، تشخیص زودهنگام وضعیت بحرانی و مبارزه با شکنندگی از یک سو و تعیین اولویت در برنامه­ها و اقدامات مورد نیاز و نهادهای مسئول انجام این اقدامات از سوی دیگر است.

این امر در مورد اقتصاد ایران، به دلیل سوءمدیریت­های انجام شده در دهه­های اخیر و کارنامه عملکردی غیر قابل قبول، اهمیت بسیار بالایی دارد. تکیه صرف به درآمدهای نفتی و تبدیل شدن به اقتصاد تک محصولی اصلی­ترین و ریشه­دارترین کانون آسیب­پذیری کشور در حوزه اقتصادی است که باعث ایجاد ضعف در بنیه تولیدی کشور شده است. وابستگی بیش ازحد اقتصاد به نفت، کشور را در برابر هر شوک نفتی به شدت آسیب پذیر و شکننده کرده و هزینه های هنگفتی را برای کشور به همراه داشته است.

لذا به نظر می­رسد اولویت در اصلاح وضعیت و حرکت به سمت تاب­آوری، تجهیز کشور به گونه­ای است که تاب مقابله با شوک­های برون­زا را داشته باشد. تا زمانی که آمادگی لازم برای مدیریت مخاطرات بالقوه ایجاد نشود، بروز هر تکانه­ای می­تواند به بحرانی جدی بدل شود. در شرایط فعلی که در کنار انواع و اقسام شوک­هایی نظیر تحریم، سقوط قیمت نفت و عدم توان فروش منایع نفتی، ویروس کرونا هم اقتصاد و جامعه­مان را به شدت متاثر کرده است، انتظار می­رود به دور از کوته­نگری و شتاب­زدگی، به دنبال کم­هزینه­ترین و اثرگذارترین اقدامات برای خروج از شرایط کنونی بود.

 **منابع فارسی**

1. "آثار تحریم­ها بر بخش­های صنعت و کشاورزی"، مردادماه 1398، مرکز پژوهش­های اقتصادی اتاق بازرگانی ایران
2. "بازخوانی تحریم­های اقتصادی سال­های 94- 1390 و بررسی اثرات اقتصادی آنها"، شهریورماه 1397، مرکز پژوهش­های اتاق ایران
3. "بیماری هلندی"، از مجموعه بروشورهای اقتصاد به زبان ساده، مرکز پژوهش­های اتاق ایران
4. "تاب­آوری: مروری بر ادبیات و مفاهیم"، آذرماه 1394، مرکز پژوهش­های اقتصادی اتاق بازرگانی ایران

**منابع انگلیسی**

1. Escaping the fragility trap, 2018, The LSE-Oxford Commission on State Fragility, Growth and Development
2. Fragility Index for a Differentiated Approach, Asian Development Bank, 2006
3. Generating Private Investment in Fragile and Conflict-Affected Areas, 2019, International Finance Corporation (IFC), World Bank Group
4. Michel, James; 2018, Managing Fragility and Promoting Resilience to advance Peace, Security, and Sustainable Development, CSIS(Center for Strategic &International Studies)
5. States of Fragility 2016, OECD
6. Zaum, Dominik; 2013, Political Economies of Corruption in Fragile and Conflict-Affected States: Nuancing the Picture, Anti-Corruption Resource Centre
7. [www.fundforpeace.org](http://www.fundforpeace.org)
8. <https://fragilestatesindex.org/country-data/>
9. [www.transparency.org](http://www.transparency.org)
10. [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org)

**فرم ارزیابی بروشور**

1- مفاهیم ارائه‌شده در بروشور اقتصاد به زبان ساده را تا چه میزان مفید ارزیابی می­کنید؟

عالی □ خوب □ متوسط □ ضعیف □

2- آیا با تهیه نسخه­های بعدی بروشور موافقید؟

بلی □ خیر □

3- پیشنهادات شما برای بهبود نسخه‌های بعدی بروشور چیست؟

........................................................................................................................................................................

........................................................................................................................................................................

........................................................................................................................................................................

4- از نظر شما در نسخه‌های بعدی بروشور، بایستی به معرفی چه متغیرها یا مفاهیم اقتصادی پرداخته شود؟

........................................................................................................................................................................

........................................................................................................................................................................

........................................................................................................................................................................

5- برگزاری چه دوره­های آموزشی را برای به­روزرسانی دانش هیئت نمایندگان محترم پیشنهاد می­نمایید؟

........................................................................................................................................................................

........................................................................................................................................................................

.......................................................................................................................................................................

1. Fragile States [↑](#footnote-ref-1)
2. The Fragility Study Group [↑](#footnote-ref-2)
3. Organization for Economic Co-operation and Development [↑](#footnote-ref-3)
4. Fund for Peace [↑](#footnote-ref-4)
5. Fragile State Index [↑](#footnote-ref-5)
6. Cohesion Indicators [↑](#footnote-ref-6)
7. Security Apparatus [↑](#footnote-ref-7)
8. Factionalized Elites [↑](#footnote-ref-8)
9. Group Grievance [↑](#footnote-ref-9)
10. Economic Decline [↑](#footnote-ref-10)
11. Uneven Economic Development [↑](#footnote-ref-11)
12. Human Flight and Brain Drain [↑](#footnote-ref-12)
13. Human Rights and Rule of Law [↑](#footnote-ref-13)
14. State Legitimacy [↑](#footnote-ref-14)
15. Public Services [↑](#footnote-ref-15)
16. Cross-cutting Indicators [↑](#footnote-ref-16)
17. Demographic Pressures [↑](#footnote-ref-17)
18. Refugees and Internally Displaced Persons (IDPs) [↑](#footnote-ref-18)
19. External Intervention [↑](#footnote-ref-19)
20. Very Sustainable [↑](#footnote-ref-20)
21. Sustainable [↑](#footnote-ref-21)
22. Very Stable [↑](#footnote-ref-22)
23. More Stable [↑](#footnote-ref-23)
24. Stable [↑](#footnote-ref-24)
25. Warning [↑](#footnote-ref-25)
26. Elevated Warning [↑](#footnote-ref-26)
27. High Warning [↑](#footnote-ref-27)
28. Alert [↑](#footnote-ref-28)
29. High Alert [↑](#footnote-ref-29)
30. Very High Alert [↑](#footnote-ref-30)
31. Country Policy and Institutional Assessment [↑](#footnote-ref-31)
32. Economic Management [↑](#footnote-ref-32)
33. Structural Policies [↑](#footnote-ref-33)
34. Policies for Social Inclusion [↑](#footnote-ref-34)
35. Public-Sector Management and Institutions [↑](#footnote-ref-35)
36. OECD Development Assistance Committee [↑](#footnote-ref-36)
37. Global Terrorism Index [↑](#footnote-ref-37)
38. Resilience [↑](#footnote-ref-38)
39. نمرات در بازه 90- 80 ذیل عنوان هشدار بسیار شدید قرار می­گیرند. [↑](#footnote-ref-39)
40. Corruption Perception Index [↑](#footnote-ref-40)